

تبیین سازمان یابی فضایی سیستم های شهری (مطالعه موردی: دو استان بوشهر و فارس)

تاریخ دریافت مقاله: 89/10/1

تاریخ پذیرش مقاله: 89/10/30

دکتر هوشنگ رستم پور* (استادیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر)

دکتر بهروز محمدی یگانه¹ (استادیار دانشگاه زنجان)

حسن حیدری² (مدرس گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور بوشهر)

چکیده

غالب برنامه ریزان شهری، به ویژه در مکتب ساختارگرایی معتقدند که پدیده های گوناگون فضای زندگی را نمی توان جداگانه و به طور مستقل از یکدیگر مطالعه کرد. لذا پیوستگی اساسی تئوری های سکونتگاهی شهری و ناحیه ای را می توان در «تئوری سیستم ها» مشخص ساخت. این پژوهش با اعتقاد به این که فرم فضایی سیستم شهری استان های بوشهر و فارس انعکاسی از فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی است که در طول زمان طی نموده اند انجام شده است. با عنایت به ماهیت تحقیق و براساس رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه سؤالات اصلی تحقیق در پی شناسایی عوامل و متغیرهای مؤثر، انسجام و یکپارچگی، تعادل یا عدم تعادل در سازمان فضایی سیستم شهری می باشد، در این رساله هدف پژوهش ضمن غنابخشیدن و انسجام دهی به مطالعات موجود در پی یافتن شواهد عینی در خصوص نحوه سنجش سیستم شهری و عوامل مؤثر بر سازمان یابی آن می باشد تا بتوان به ارائه یک الگوی مناسب سازمان فضایی سیستم شهری دست یافت. روش تحقیق انتخاب شده برای انجام پژوهش روشی نظری-کاربردی است که در آن از تئوری سیستم ها و روش های آمار توصیفی، استنباطی و مدل های برنامه ریزی استفاده شده است. در جامعه آماری تحقیق برای سنجش روابط جمعیتی میان شهرها 8262 نفر به عنوان آزمودنی های تحقیق مورد ارزیابی گرفتند. در این پژوهش با کاربرد تئوری سیستم ها و تهیه ماتریس تعامل فضایی جمعیت میان شهرهای مورد مطالعه فرضیه تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفتند و مشخص گردید که در روابط فضایی جمعیت ورودی و خروجی مراکز شهری در طبقات مختلف میزان خسی دو محاسبه شده کوچک تر از میزان خسی دو در جدول نقاط بحرانی است و با احتمال $p=05$ فرض صفر (H_0) را می پذیریم و پذیرش فرضیه صفر دارای این معنی است که فرض وابسته بودن یا سیستمی بودن عناصر و مراکز شهری تأیید نمی شود، بلکه مراکز مذکور به طور مستقل از یکدیگر فعالیت می نمایند و از هم پیوندی و انسجام سیستمی برخوردار نمی باشند.

واژه های کلیدی

شهر، سیستم های شهری، سازمان یابی، بوشهر، فارس

* نویسنده رابط: Dr.rostamopoor@yahoo.com

¹ Behroozyeghaneh@yahoo.com

² livan_h2341@yahoo.com

بیان مسئله

امروزه سازمان ها نقش عمده ای در جهان نوین ایفا می کنند. حضور سازمان ها اساساً هر بخش از زندگی اجتماعی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد. شهر نیز پدیده پیچیده ای است (حسامیان و دیگران، 1376، 1) و سازماندهی فضا همواره بدنبال ارائه چهار چوبی منطقی برای دریافت اصول حاکم بر ساختار و کارکرد فضا و درک خصیصه های آن بوده اند تا از آن طریق بتوانند صورتبندی فعلی و جلوه های فضایی موجود را تحلیل کرده و همچنین روندهای مشابه را پیش بینی و برنامه ریزی نمایند.

غالب برنامه ریزان شهری به ویژه در مکتب ساختار گرایی معتقدند که پدیده های گوناگون فضای زندگی را نمی توان به طور جداگانه و مستقل از یکدیگر مطالعه کرد. بدین سان که هر پدیده ای با توجه به مجموعه پدیده ها که پدیده مورد بحث ما (شهر) نیز جزئی از آن است، بررسی می شود (شکویی، 1373، 123). از آنجایی که هر نظریه عامی باید به نوعی فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی موجود در شهر را با شکل فضایی که شهر بخود می گیرد پیوند دهد و هر راهبرد که بخواهد موفق شود باید توجه کند که اشکال فضایی و فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی طرق متفاوت تفکر درباره موضوعی واحد هستند و هر فعالیت اجتماعی و اقتصادی که تولید کننده اشکال گوناگون فضایی هستند باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد. اما هر عنصر نیز، محیط خود را شکل می دهد تا منعکس کننده همپاری های اجتماعی و اقتصادی آن عصر باشد (پیشین، 7) برتالنفی معتقد است که تنها راه مطالعه سازمان، مطالعه آن به عنوان یک سیستم است. با این وضعیت پیوستگی اساسی تئوریهای سکونتگاهی شهری و ناحیه ای را می توان در «تئوری سیستم ها» مشخص ساخت. زیرا شهر به عنوان یک کل رفتار فضایی و تعامل بسیار پیچیده ای دارد. اما اساساً الگوهای ارتباطی و جریانات میان شهرها که خالق پویایی و تولید کننده سازمان فضایی سیستم شهری هستند، کدامند؟ و چگونه این جریانات در مکانسیم تعامل مؤثر واقع شده و تحول در سیستم شهری ایجاد می کنند؟

در سطح مناطق (استان ها) شاید هرم یا سلسله مراتب در سیستم شهری انعکاسی از سطوح جهانی و ملی در مقیاس کوچک تر باشد. از این روی تمرکززدایی و تعادل منطقه ای نقش مهمی در ارزیابی آن دارد. این پژوهش با اعتماد به اینکه فرم فضایی سیستم شهری استانهای بوشهر و فارس انعکاسی از فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی است که در طول زمان طی نموده اند، انجام شده است و مجموعه 18 شهر مرکز شهرستان از استان های بوشهر و فارس (تحت مدار 30 درجه عرض جغرافیایی) قلمرو مطالعاتی آن می باشد. شهر شیراز از مرکز استان فارس در محدوده شمالی منطقه

مورد مطالعه و بندر بوشهر مرکز استان بوشهر در جنوب آن واقع است. با توجه به آنچه گفته شد، کنش متقابل مراکز شهری به همراه روند گرایش های شهری (تمرکز و عدم تمرکز) عوامل متغیرهای اجتماعی و اقتصادی اصول اولیه سیستم شهری منطقه را به وجود آورده اند که با مطالعه آن برنامه ریزان به ریشه یابی و شناخت لازم برای سازماندهی مطلوب فضا رهنمون می گردند.

طرح سوال پژوهش

با عنایت به ماهیت تحقیق سوال اصلی تحقیق عبارت از:

عوامل و متغیرهای موثر در سازمان یابی فضایی سیستم شهری بوشهر و فارس کدامند؟

اهمیت و ضرورت

در خصوص اهمیت موضوع باید گفت شهر به عنوان یک نظام پویا و در عین حال پیچیده در فرآیند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ساختار فضایی مطلوب سرزمین نقش تعیین کننده ای دارد. شهر و شهرنشینی در ایران به ویژه در 20 سال اخیر از رشد شتابانی برخوردار بوده است. وزن شهر از نظر جمعیتی و اقتصادی از منطقه ای به منطقه دیگر کشور متفاوت است و رشد ناموزونی را نشان می دهد (کاظم ایزدی، 1373، 3). پیچیدگی شهرگاه سبب شده که به قول «لون 1» «بیشتر درباره عوارض ناشی از شهر تحقیق شده است تا خود شهر» و در این مطالعه در نظر است که با استفاده از دستاوردهای تجربی، علمی و اطلاعات معتبر با استفاده از دیدگاه و روش سیستمی جابجایی جمعیت را با اهداف مختلف تحلیل نمائیم. زیرا با توجه به اینکه در سالهای اخیر سیستم شهری به سرعت در میان مفاهیم و مطالعات شهری و منطقه ای کاربرد یافته است. اما تحقیقات انجام گرفته در این زمینه نشان از اندک بودن شمار کارهای پژوهشی دارد. همچنین می تواند پایه ای جهت تحلیل سایر فضاها و انجام مطالعات تطبیقی گردد.

تعدادی از شهرها مستعد با پراکندگی مناسب در سطح کشور انتخاب و به خدمات برتر تجهیز می گردند به نحوی که مجموعه این شهرها پوشش کامل خدماتی را در سطح کشور مهیا سازند و تمامی شهرهایی که چهارچوب اصلی شبکه شهری را تشکیل می دهند، از کلانشهرهای دارای عملکرد فرامنطقه ای تا شهرهای کوچک بعنوان مراکز دهنده خدمات به رو ستاها تقویت می گردند. از دیدگاه عمران شهری نیز در فصل 7 بند «ب» ردیف 9 و 10 یکی از مشکلات و تنگناهای موجود در سیستم شهری را نارسایی در نظام هدایت و کنترل توسعه شهری و منطقه ای (روشهای طرح ریزی،

سازماندهی، قوانین و مقررات، روشهای اجرایی و ... و از سوی دیگر نامشخص بودن نظام شکل گیری و سازمان یابی شبکه شهری ذکر نموده است. از بعد منطقه ای نیز نامشخص بودن روابط جمعیتی میان شهر و سلسله مراتب فضایی آنها از جمله عوامل مهمی است که نظام فعالیت و عملکرد آن و خدمات رسانی مطلوب و کارکرد شهرها را دچار اختلال و ناهمگونی نموده است. با انجام تحقیق حاضر ضمن شناخت پایه ای از اصول یادشده در منطقه مورد مطالعه به بخشی از مشکلات و تنگناهای موجود در راستای دستیابی به اهداف برنامه سوم توسعه پاسخ داده می شود که علاوه بر دادن بینشی بنیادی نسبت به ماهیت ساختار و کارکرد فضای مورد مطالعه زمینه لازم را جهت ارائه ی سیاست ها، خط مشی ها، و راهکارهای اجرایی فراهم می سازد.

اهداف

بررسی تاثیرات مولفه های اقتصادی و اجتماعی در سازمان یابی فضایی سیستم شهری بوشهر و فارس هدف اصلی این پژوهش می باشد.

فرضیه پژوهش

براساس مسأله و اهداف تحقیق فرضیات زیر بیان می گردد:
1) سازمان یابی سیستم شهری بوشهر و فارس تابعی از مؤلفه های اقتصادی و اجتماعی است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

محدوده مورد مطالعه با عنوان ناحیه بوشهر و فارس حدود 115031 کیلومتر مربع وسعت در جنوب ایران واقع شده است. این ناحیه مشتمل بر استان بوشهر و بخشهای جنوبی استان فارس (معادل 74/2 درصد از مجموع مساحت استان فارس) می باشد. پژوهش حاضر 18 شهر در منطقه را شامل می شود که جمعاً 1904981 نفر جمعیت را در خود جای داده اند.

روش تحقیق

این رساله تحقیقی نظری - کاربردی است که در آن تئوری سیستم ها و روشهای (توصیفی و استنباطی و مدل های برنامه ریزی) استفاده شده است. در مجموع روش تحقیق در پژوهش جاری استفاده ترکیبی از روش ها می باشد.

جامعه آماری و اندازه نمونه

جامعه آماری تحقیق شهرها و جمعیت شهری منطقه شامل 18 شهر مرکز شهرستان می باشد

شهرهای مورد مطالعه عبارتند از :

1- استهبان	2- اهرم	3- برازجان	4- بوشهر	5- جهرم
6- خورموج	7- داراب	8- دیر	9- دیلم	10- شیراز
11- فسا	12- فیروزآباد	13- کازرون	14- کنگان	15- گناوه
16- لار	17- لامرد	18- نی ریز.		

برای برآورد حجم نمونه از یک نسبت P مبتنی بر n واحد نمونه تصادفی ساده استفاده کرده ایم. هدف بررسی نیز برآورد نسبت P در جامعه مورد نظر است. در نتیجه :

$$n = \frac{\pi(1-\pi)}{[S.K(P)]^2}$$

و حجم نمونه نهایی از فرمول زیر به دست آمد:

$$n = \frac{\sqrt{\pi(1-\pi)}}{n}$$

و با تبدیل آن به قدر مطلق حجم نمونه برآورد می شود.

تعداد افرادی که در کل مورد نظر سنجی قرار گرفتند 8262 نفر بوده اند که 2645 نفر معادل 32 درصد ورودی شهرها را استان بوشهر و 5617 نفر برابر 68 درصد نیز هم ورودی شهرهای استان فارس می باشد. از بعد جابجایی با اهداف خروج جمعیت از مراکز شهری نیز 3924 نفر حدود 47/5 نفر به مراکز شهری فارس اختصاص داشته اند.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش با عنایت به ماهیت کار از دو مجموعه استفاده شد. یکی متغیرهای اجتماعی و اقتصادی و دیگری گردآوری اطلاعات میدانی از حجم جمعیت، مبدأ و مقصد سفرهای درون منطقه و در بین مراکز شهری به عنوان درونداد و بروندادهای مراکز شهری، بنابراین در تحقیق از روش کتابخانه ای و میدانی برای گردآوری اطلاعات استفاده گردید. در روش کتابخانه ای از اطلاعات رسمی، اسناد، گزارش ها و سرشماری ها و در روش میدانی با تنظیم پرسشنامه (پیوست) اطلاعات لازم از روابط منطقه ای جمع آوری شد.

روش تجزیه و تحلیل

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روشهای آمار توصیفی به منظور بررسی های اولیه شامل طبقه بندی و تلخیص و همچنین از روش های آمار استنباطی برای تعمیم یافته ها استفاده شده است. در این تحقیق علاوه بر روشهای مذکور مدل ماتریس تعامل فضای برای تحلیل سازمان فضایی و سیستم های شهری به کار گرفته شد.

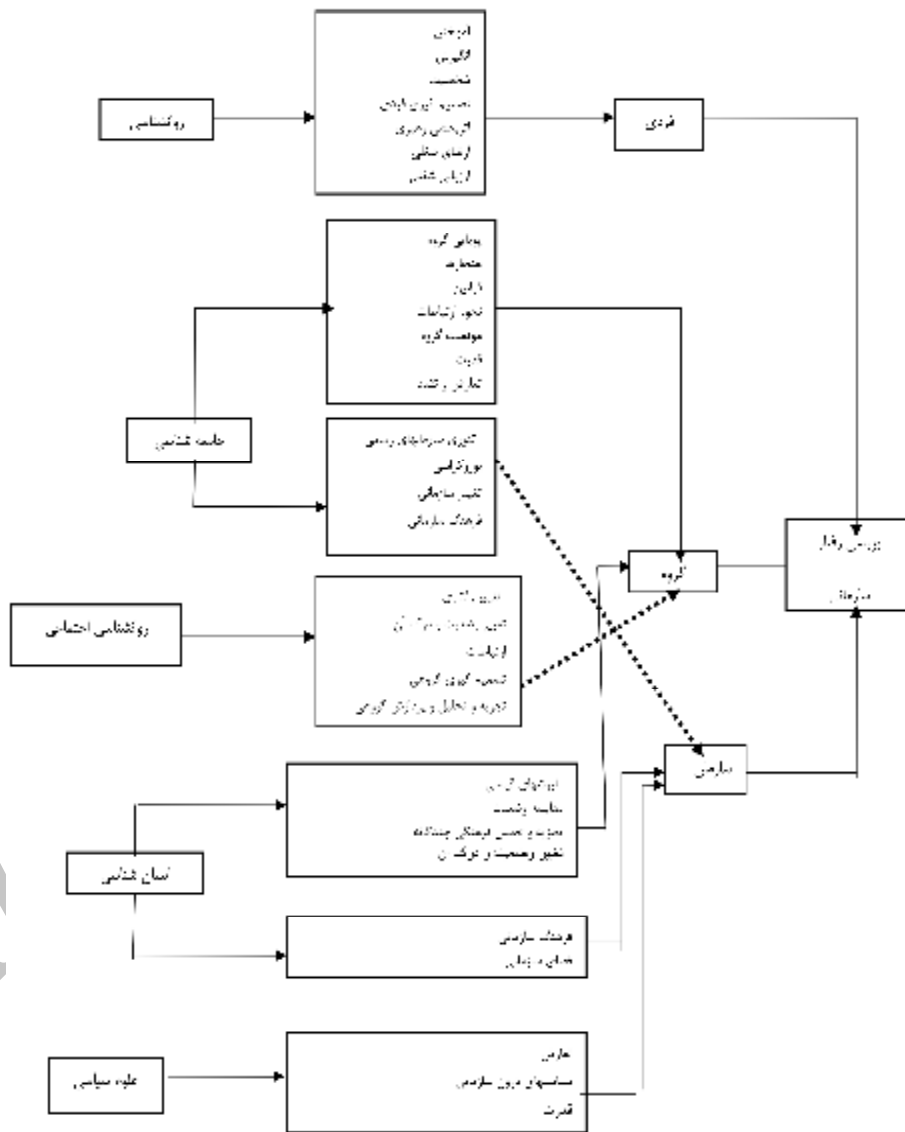
چهار چوب نظری

امروزه سازمانها نقش عمده ای را در جهان نوین ایفا می کنند. حضور سازمانها اساساً هر بخش از زندگی اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد. پیتز دراکر معتقد است که امروز جوانان باید سازمان ها را همانگونه بیاموزند که اجدادشان کشاورزی را آموختند (میرزایی، 1374، 23). با این همه اهمیت این پرسش که «سازمان و سیستم چیست؟» به ذهن متبادر می گردد. اما در عصر ما تاکنون پاسخ درست و قانع کننده ای به آن داده نشده است. هر چند تاکنون پاسخ های بسیار و مفصلی بریا آن ارائه شده است. اما تقریباً اجماع همگانی بر تعریف «سازمان و سیستم» وجود ندارد. بر همین اساس واژه «سازمان» معانی متعددی در زبان محاوره دارد که بعضی از آنها در مباحث علمی جایگاهی ندارند.

سازمان

«آرجریس» در تعریف سازمان می گوید: سازمان ها راهبردهای پیچیده انسانی هستند که برای دست یافتن به هدف های مشخص طراحی شده اند. واژه «سازمان» مفهوم های مختلف دارد و برحسب کاربرد آن مفهوم ویژه ای پیدا می کند و هر یک از تعاریف مدیریت را که برگزینیم، بحث در زمینه «سازمان» امکان پذیر است. سازمان عبارت است از وجود هماهنگی معقول در فعالیت گروهی از افراد برای نیل به یک هدف یا منظور مشترک از طریق تقسیم کار و وظایف از مجرای سلسله مراتب اختیار و مسؤولیت قانونی (جاسبی، 1370، 39). سطح اول رفتار فردی و به تبع آن مناسبات حاکم بر آن می باشد. در سطح دوم با گروه ها و نحوه تشکیل و کنترل و... روبرو هستیم و بالاخره در آخرین سطح سازمان به عنوان یک کل مد نظر قرار می گیرد و توقعی که از متدولوژی سیستماتیک می رود آن است که پلی واسط بین این سه سطح باشد و نتایج حاصل از بررسی در هر یک از سطوح را به

وحدت و یکپارچگی برساند. شکل شماره (1) علوم وابسته به این سطوح در بررسی رفتار انسانی و به تبع آن تغییر در سازمان را به دست می‌دهد (روشن و دیگران، 1375، 26).



شکل شماره (1) سطوح مورد مطالعه و علوم وابسته به آنها در بررسی رفتار انسانی
(مأخذ: روشن و دیگران، 1375، 26)

دیدگاه ها و تئوری های رفتار انسانی

الف - پایه های نخستین

مصری ها، یونانیان، چین باستان و بنابه روایت کلود جرج ایرانیان قدیم نیز در مورد مدیریت اداره امپراطوری به وضع مقررات عمومی و اجتماعی برای تسریع امور و توسعه فعالیت ها پرداختند. قرون وسطی در سیر تمدن و تکامل اندیشه بشر و در تاریخ تحقیقات علمی نه تنها فاقد مقام و منزلتی تلقی می شود بلکه به لحاظ عقب ماندگی به عنوان عصر تاریک نامیده می شود. اما این دوران به علت وسعت قلمرو حکومت و وجود حکام کلیسا و پیشوایان قدرتمند مذهبی و املاک وسیع فئودالها، از مدل های تجربی برای اداره سازمان ها در مقیاسی وسیع استفاده شده است. با ایجاد تمرکز و گسترش تجارت در این دوران عملیات اساسی مدیریت تولید از جمله ایجاد خط زنجیر به منظور مونتاژ و تکمیل کالا (کشتی) در ونیز که یکی از مراکز عمده بازرگانی، فرهنگی و هنری بود، شکل گرفت. بعد توماس مور بر تخصصی نمودن امور و تقسیم هر کار به اجزای خردتر سخن گفت. تا این دوران هنوز سه مفهوم عمده دولت، حکومت و جامعه کاملاً از یکدیگر تفکیک نشده بود.

ب - تئوری های جدید

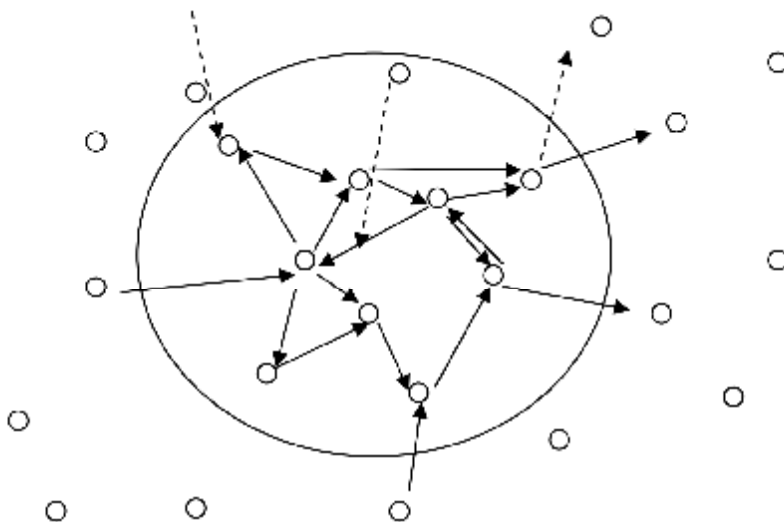
رویکرد کلاسیک به مدیریت در درجه نخست ساختار فعالیت های سازمان رسمی را بررسی می کند و در آن مفاهیمی از قبیل تقسیم کار و ایجاد سلسله مراتب برای دستیابی به یک سازمان اثر بخش از مهم ترین عوامل محسوب می شود. هانری فایول و فردریک وینسلور تیلور از بزرگ ترین نظریه پردازان مکتب کلاسیک بوده اند. در اواخر دهه 1960 گروه دیگری از نظریه پردازان سازمان را به عنوان سیستمی پیچیده از انسانها، مشاغل و تکنولوژی مطرح کردند. آن ها به این نتیجه رسیدند که سازمانها بخشی از یک محیط بزرگ ترند و با آن روابط متقابل دارند. بویژه عوامل فنی و اقتصادی نیز به اندازه عوامل اجتماعی بر آن اثر می گذارند. (خلیلی شورینی، 1376، 160 تا 171) نگرش سیستمی سازمان را نه یک ساختار بلکه به عنوان سیستمی از روابط متقابل بین فعالیت ها در نظر می گیرد. بعضی از این فعالیت ها با هم ارتباط تنگاتنگ داشته و بعضی با هم اندکی مرتبطند. تمام این فعالیت ها برای بقای سازمان باید پیوسته هماهنگ گردند (میرزایی اهرنجانی، 1374، 60).

ج- سطوح تجزیه و تحلیل سازمانی

- 1) رفتار یا صفات افراد شرکت‌کننده در سازمان
- 2) کارکرد یا ویژگی‌های برخی از جنبه‌های قسمت‌های ساختار سازمانی
- 3) ویژگی‌ها یا فعالیت‌های سازمان به عنوان یک موجودیت گروهی

- سیستم و محیط

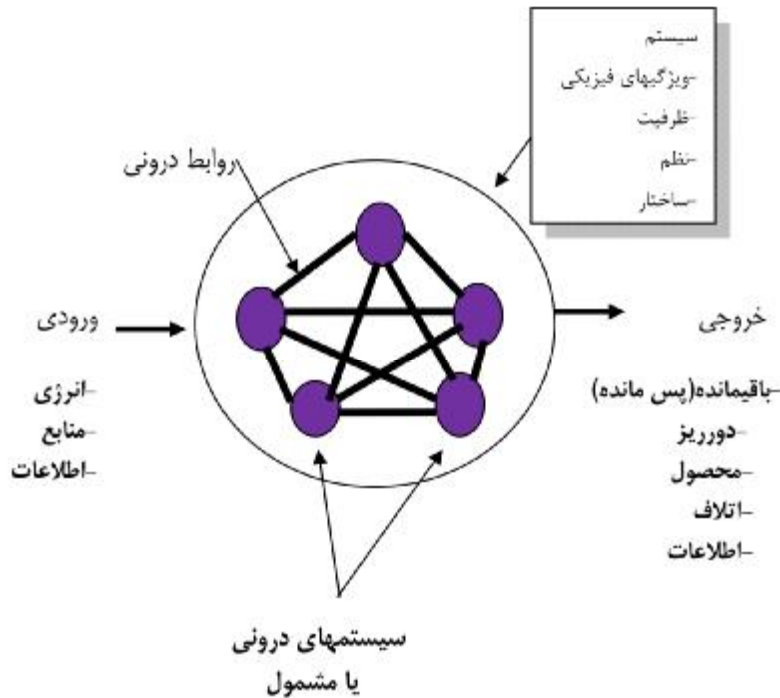
سیستم مجموعه‌ای است مرکب از گروهی از اشیاء و روابط بین آن اشیاء و خواص آن‌ها (سلمانی، 1375، 1). چارلز، وست، چرچمن نیز عقیده دارد؛ «سیستم مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته‌ای است که آن اجزاء در راه نیل به هدف‌های معینی با هم هماهنگی دارند» در شکل شماره (2) ماهیت یک سیستم تبیین شده است:



مأخذ: چادویک، 1974.

در بررسی همبافته‌هایی از «عناصر» به سه طریق متفاوت می‌توان آنها از یکدیگر تشخیص داد. اول برحسب تعدادشان دوم بر حسب نوعشان و سوم برحسب روابط عناصر. در این مورد نه فقط عناصر، بلکه روابط بین آنها نیز باید شناخته شود. در حالی که در موارد اول و دوم مجموعه عناصر

جدا از هم در نظر گرفته می شوند. اما در نوع سوم و بر حسب روابط خصوصیات همبافته در مقایسه با خصوصیات عناصر به صورت «نو» یا «برآیند» ظاهر می شوند. اما اگر ما کل اجزاء واقع در سیستم و روابط میان آنها را بشناسیم، رفتار سیستم ممکن است از رفتار اجزاء مشتق شود. چنین تعریفی از سیستم از وابستگی ممکن رویدادها به تاریخ گذشته سیستم «پسماند» به یک مفهوم وسیع نیز می رساند. شکل شماره (3) تصویر عمومی سیستم را نشان می دهد.



شکل شماره (3) تصویر عمومی سیستم

مأخذ: اصلانی، 1376.

مجموعه و سیستم

همان گونه که در تعریف سیستم گفته شد، سیستم مجموعه ای است از اجزا و عوامل به هم پیوسته که ما می توانیم آن ها را به خاطر بررسی و مطالعه تجزیه کنیم. اما اگر این اجزاء و عناصر را از هم جدا کنیم و بین آنها روابط متقابلی وجود نداشته باشد آیا می توان آنها را به نام یک سیستم

خواند؟ «انجی یال 1» این تفاوت را به این ترتیب بیان کرده است که در مورد مجموعه ها، عامل تغییر، افزوده یا کم شدن اجزای آن ها است. در حالی که عامل تغییر یک سیستم، تغییر نحوه و شکل ترکیب اجزا و قسمت های تشکیل دهنده آن است که به شکل سازمان یافته خاصی با یکدیگر روابط متقابل دارند. اینک با توجه به مطالب بالا می توانیم تعریف سیستم را به نحو زیر خلاصه کنیم.

«سیستم عبارت از ترکیبی از اجزا و قسمت های مختلف یک مجموعه که به یکدیگر وابسته اند و روابط متقابل میان آنها به شکل خاصی سازمان یافته است.»

- سیستم شهری

سیستم شهری، تحلیل ویژگیهای تشکیل دهنده مجموعه شهرهایی است که تاثیرات متقابل میان آنها وجود دارد. همچنین دکتر مومنی معتقد است که در سیستم شهری یا نظام شهری بر همه شهرهای یک واحد جغرافیایی (مانند کشور، استان و...) که روابط سیستمی بین تک تک شهرهای آن به عنوان عناصر سیستم برقرار و واجد اهمیت باشد، اطلاق می شود (مومنی؛ 1377، ص 255). نکته مهم در این است که سیستم های شهری در عین وابستگی و پیوند با سیستم های اجتماعی در واقع خود نمونه و بازتابی از سیستم های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی نیز به شمار می روند. پس مجموعه ای از سیستم های مختلف انعکاس یافته در فضا، بازتابی را ایجاد می کند که در قالب «سیستم شهری» تبلور و عینیت یافته و قابل بررسی و تحلیل می گردد. در سال 1998 در پژوهشی با عنوان «از سلسله مراتب شهری به شبکه شهری» با بررسی سلسله مراتب شبکه های شهری سه سطح را شناسایی می کند (C amagni, 1993, 78).

- شبکه شهرهای جهانی

- شبکه شهرهای ملی

- شهرهای ناحیه ای

خوشه های جمعیتی و فعالیتی با اندازه های مختلف در سیستم شهری سازمان یابی شده اند. سکونتگاهها (مراکز) شهری زنده اند زیرا اگر آنها (خوشه های مختلف) با هم مرتبط و پیوسته باشند فعالیت های متعدد و متنوعی می تواند در آنها انجام شود. آنها توده هایی (مجموعه هایی) نیستند که فعالیت های ویژه ای را در منظر عمومی به عنوان خدمات برای سایر مرکز دارا باشند، اما به هر حال مردم در نواحی تابع حوزه نیز زندگی می کنند. زیرا مراکز شهری دارای پراکندگی فضایی بوده و روابطی میان آنها برقرار است.

- تحرک فضایی

ساده ترین شکل تحرک انسان ها در فضای مکانی جابه جا شدن هایی است که آنان در محیط زندگی روزمره و به دنبال رفع نیازهای خود صورت می دهند. فضا برای برخی انسان ها معنای هندسی پیدا می کند و طبعاً آنان برای اندازه گیری اش (به منظور تصاحب ، بهره وری موقتی ، عبور و تماس) به معیارهای قراردادی متوسل می شوند. در این تعبیر راه و روش شناخته شده و متداولی غیر از راه ریاضی-منطقی نمی شناسیم و از «دکارت» به این سو در این زمینه است که سیستم های مقداری قراردادی فضایی، توسعه می یابند و در کلیه علوم بویژه در شهرسازی، برنامه ریزی شهری و منطقه ای و... برای کسانی که بخواهند در سیستم علوم یادشده تلاش کنند، الزامی است. در مقابل اگر بعدها دیگر فضایی مکانی را به میان آوریم، اگر فضای «عاطفی» مطرح شود و پیوستگی انسان و فضای مورد نظر وی و داده های ذهنی فردی و میان-فردی موجود در مکان ها به میان آورده شوند، بحث ما صورتی پیچیده به خود می گیرد. عمل جابه جا شدن در فضا، منضبط و مرتبط یا شروط به برداشت هایی ادراکی می شود که برای شخص شناخته شده، ذخیره شده و انطباق داده شده است. شکل گیری قصد حرکت و تحقق پذیرفتن تحرک فضایی تنها به آن داده هایی که ما آنها را «منطقی» می شناسیم، وابسته نیست. در این امر، داده های فردی ، ذهنی و میان-فردی، همراه با بودن وابستگی های مستقیم اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مداخله دارند که در انتخاب نقطه حرکت و مقصد، مسیر و وسیله حرکت، لحظه آغاز و زمان لازم تاثیر می گذارند. در این صورت است که انگیزه های حرکت برای یک فرد نمی تواند به همان اندازه نافذ باشد که برای فرد دیگری بوده است.

سازمان یابی فضایی سیستم های شهری در ایران سیر تکوین و سازمان یابی ایران به ویژه سازمان فضایی سیستم های شهری را می توان به سه دوره نسبتاً مشخص تقسیم نمود:

الف) دوره نخست که شکل گیری فضای سرزمین و مراکز جمعیتی عمدتاً بر پایه امکانات طبیعی و به خصوص فعالیت های کشاورزی استوار می باشد.

ب) دوره دوم، دوره ای که طی آن گسترش بازرگانی و مناسبات تجاری ، فعالیت های کشاورزی را کم و بیش تحت الشعاع قرار داد و راه ها به عنوان محورهای اصلی این فعالیت ها نقش مهمی در شکل دادن سازمان فضایی ملی ایفا نمودند.

ج) دوره سوم، پیشرفت علوم و فنون و در پی آن رشد صنایع که اصولاً فعالیت های تمرکز گرا می باشند و همچنین بازرگانی و خدمات قوی باعث پیدایش و رشد بسیاری از شهرها گردیدند. از این پس شهر به مشابه مراکزی جهت توسعه فضایی به شمار آمدند.

هر دوره‌ای از دوره‌های فوق به خصوص دوره سوم، خود شامل تقسیم بندیهای کوچک‌تری نیز می باشند. توضیح هر کدام از این سه مرحله از حوصله این مقاله خارج می باشد.

معرفی منطقه مورد مطالعه

براساس اسناد و مدارک موجود تا سال 1316 بوشهر به عنوان یکی از شهرستان های استان جنوب (استان چهارم) بوده است (وزارت دادگستری؛ 1316، ص 16) و براساس قانون تقسیمات کشوری مصوب 1316 بوشهر به عنوان یکی از شهرستان های استان هفتم به مرکزیت شیراز درمی آید (وزارت کشور؛ 1351، ص 115). در سال 1345 به دنبال اصلاح قانون تقسیمات کشوری مصوب 1316 فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس تشکیل می گردد (وزارت کشور؛ 1348، ص 32) و مجدداً در سال 1346 فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس منحل و استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تاسیس می گردد (وزارت کشور؛ 1346، ص 27). پس از آن نیز مجدداً فرمانداری کل بوشهر تشکیل و نهایتاً در سال 1352 براساس اصلاح قانون تقسیمات کشوری، استان بوشهر از استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان منتزع و استانداری بوشهر تشکیل می گردد.

براساس مطالعات موجود، بررسی ها نشان می دهد که میانگین بارندگی در عرض های بالاتر منطقه مورد مطالعه نظیر شیراز (ایستگاه هواشناسی فرودگاه شیراز) میانگین بارندگی دوره 63 معادل 325/5 میلی متر بوده و در عرض های میانی و در نواحی مرکزی نظیر ایستگاه های داراب میانگین سالانه بارندگی به 371 میلی متر افزایش یافته ولی در عرض های پائین تر و در محدوده استان بوشهر به ویژه در بخش های جنوبی استان بوشهر به حداقل می رسد. بررسی دمای هوا نیز نشان می دهد که مناطق جنوبی دارای دوره گرمایی طولانی تر و با شدت بیش تر می باشند و مناطق شمالی و شرقی از این نظر دارای وضعیت متعادل تری هستند. گرم ترین ماه های سال تیر و مرداد و سردترین ماه ها، دی و بهمن می باشد. که در این شرایط عرض جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریا از عوامل موثر هستند. در ایستگاه های ساحلی میانگین گرم ترین ماه سال در حدود 32/6 درجه سانتی گراد است در حالی که در مناطق دور از ساحل به بیش از 34 درجه می رسد و در نواحی مرتفع به 30/8 درجه سانتی گراد کاهش می یابد.

استان های بوشهر و فارس در سال 1375 جمعیتی حدود 4560711 نفر بوده است که 16/3 درصد معادل 743675 نفر در محدوده سیاسی استان بوشهر و 83/7 درصد معادل 3817036 نفر در استان فارس ساکن بوده اند. از مجموع جمعیت استان های بوشهر و فارس 2557608 نفر حدود 56/1 درصد ساکن در منطقه شهری هستند که این میزان در استان بوشهر 53 درصد معادل 394489 نفر و

در استان فارس حدود 67/7 درصد برابر 2163119 نفر است. جدول شماره 3-4 خلاصه وضعیت جمعیت استان های بوشهر و فارس را در سال 1375 نشان داده است.

اگر مقیاس و سطح تحلیل را از کل استان های بوشهر و فارس به منطقه مورد مطالعه محدود نماییم، ملاحظه می شود که سهم جمعیت شهری سکونتگاه های بزرگتر باز هم افزایش یافته و بنابراین قطبی شدن در فضا و با تمرکز جمعیت شهری در یک قطب روبرو می گردیم. این کاهش جمعیت شهری و افزایش نسبت جمعیت شهرهای بزرگتر را باید در افزایش مهاجرت از کانون ها و مراکز دیگر و قدرت یابی (کارکرد) حوزه شهری شیراز از طرف دیگر جستجو نمود.

بر اساس رتبه بندی صورت گرفته، بوشهر و شیراز به دلیل محدودیت زمین و بالا بودن تعداد جمعیت رتبه های اول و دوم را در تراکم نسبی به خود اختصاص می دهند ولی سایر شهرهای پر جمعیت نظیر جهرم، کازرون و فسا رتبه هایی در حد جمعیت خود را دارا نمی باشند که به نظر می رسد به دلیل گسترش شهر و بالا بودن مساحت شهرها می باشد. یکی دیگر از عناصر در تبیین سازمان فضایی سیستم شهری منطقه، عامل فعالیت و اشتغال است که بازتابی از نیاز، ظرفیت و قابلیت های جمعیت برای پاسخگویی به نیازها به شمار می رود. بنابراین نوع فعالیت ها و اشتغال نیروهای انسانی تبیین کننده پایه های اساسی سازمان اقتصادی و نهایت سازمان فضایی منطقه است.

آنچه از فعالیت اقتصادی در تبیین سازمان یابی فضایی سیستم های شهری منطقه اهمیت دارد، ترکیب شاغلین در گروه های عمده فعالیت هر شهر است. بنابراین نوع فعالیت و ترکیب آن در مراکز شهری متأثر از تعامل نیروها و فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح نواحی و کانون های شهری است که بازتاب آن در چهارچوب فضا انعکاس یافته و قابل بررسی است. بررسی ترکیب شاغلین در بخشهای عمده فعالیت در سطح کانون های شهری در سال 1375 نشانگر تسلط فعالیت بخش خدمات در این ترکیب است، به طوریکه از مجموع 437927 نفر شاغل در گروه های عمده فعالیت مراکز شهری حدود 69 درصد در بخش خدمات اشتغال دارند. این امر بدلیل تأثیر شدید جمعیت شهرهای شیراز، بوشهر و لار و برازجان در ترکیب شاغلین حوزه های شهری است.

تجزیه و تحلیل یافته ها

- تحلیل روابط فضایی جمعیت در مقیاس طبقات - اندازه های شهری

الف: اشتغال

جدول شماره (1) ماتریس تعامل فضایی طبقات - اندازه های شهری را با هدف اشتغال نشان می دهد.

جدول شماره (1) ماتریس تعامل فضایی جمعیت شهری منطقه بوشهر و فارس با هدف اشتغال

طبقات شهری: هزار نفر

طبقات شهری	- 25		25- 50		50- 100		+100		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
- 25			18	15/6	74	16/8	523	20/4	615	18/5
25- 50	75	34/9			60	13/7	796	31/1	931	28
50- 100	112	52/1	67	58/3			1242	48/5	1421	42/6
+100	28	13	30	26/1	305	69/58			363	10/9
جمع	215	100	115	100	439	100	2560	100	3330	100

براساس ماتریس مذکور در مجموع 3330 نفر برابر 40/3 با هدف دستیابی به فرصت های شغلی در منطقه بوشهر و فارس در بین مراکز شهری جابه جا شده اند. از این رو تعداد سهم جمعیت خروجی از طبقات شهری کمتر از 25 هزار نفر برابر 18/5 درصد، شهرهای 25-50 هزار نفر برابر معادل 28 درصد، شهرهای 50-100 هزار نفر برابر 42/6 درصد و سهم شهرهای بیش از یکصد هزار نفر نیز 10/9 درصد می باشد. بررسی ستون های ماتریس بیان می کند که تنها 215 نفر با هدف اشتغال به شهرهای کم تر از 25 هزار نفر جمعیت رفته اند و سهمی معادل 6/4 درصد را دارا می باشند. سهم سایر طبقات شهری شهرها به ترتیب عبارتند از: 3/4، 13/2 و 77 درصد؛ با توجه به درصدهای مذکور درمی یابیم که کم ترین سهم از جمعیت جابجا شده با هدف اشتغال به طبقه شهری 25-50 هزار نفر تعلق دارد و بالاترین سهم نیز با 77 درصد به شهرهای بالاتر از 100 هزار نفر اختصاص می یابد. اگر این سهام را با سهم جمعیتی طبقات شهری مقایسه نمایم مشخص می گردد که شهرهای بالاتر از یکصد هزار نفر تنها در شهر بوشهر و شیراز بوده و سهم جمعیتی آنها حدود 62/9 درصد می باشد. در نتیجه سهم جمعیت وارد شده برای دستیابی به فرصت های شغلی خیلی بیش از جمعیت این گروه است. همچنین شهرهای با اندازه کم تر از 25 هزار نفر نیز با 6/4 درصد جمعیت وارد شده با هدف اشتغال در برابر 4 درصد سهم جمعیتی از کل جمعیت منطقه سهمی بیش از اندازه جمعیتی خود

را داراست. در مقابل طبقات شهری 50-50 و 100-50 هزار نفر سهم کم تری نسبت به جمعیت خود را پذیرا بوده اند.

عمده ترین حجم از نیروهای خارج شده با هدف اشتغال معادل 1242 نفر برابر 37/3 از شهرهای 50-100 هزار نفر به شهرهای بالاتر از 100 هزار نفر وارد شده اند. از بررسی جدول مذکور می توان نتیجه گرفت که ورودی نیروی انسانی با هدف دستیابی به فرصت های شغلی با اندازه جمعیتی شهرها رابطه مستقیم دارد و بنابراین تا این روند ادامه دارد با گذشت زمان این گونه شهرها مقصد اصلی مهاجرین بوده و بر اندازه آنها افزوده خواهد شد. عمده ترین دلیل این فرآیند نیز استقرار فعالیت های تولیدی- صنعتی و خدماتی است که زمینه ایجاد فرصت های شغلی را برای بیکاران جویای کار در این شهرها فراهم آورده است.

ب: آموزش

تعداد 2185 نفر معادل 26/45 درصد با هدف امور آموزشی در میان مراکز و کانون های شهری منطقه بوشهر و فارس جابه جا گردیده اند. عمده ترین هدف یا مقصد این حجم از جمعیت، شهرهای 50-100 هزار نفری می باشد. همچنین براساس جدول شماره (2) بالاترین حجم جمعیت خروجی از شهرها با هدف آموزش نیز از همین طبقه شهری است.

جدول شماره (2) ماتریس تعامل فضایی جمعیت با هدف آموزش

طبقات شهری: هزار نفر

از شهر	طبقات شهری	- 25		25- 50		50- 100		+100		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
	- 25			4	1/6	402	42/3	56	6	462	21/1
	25- 50	8	13/8			306	32/2	76	8/2	390	17/9
	50- 100	27	46/5	211	84/7			795	85/8	1033	47/3
	+100	23	39/7	34	13/7	243	25/5			300	13/7
	جمع	58	100	249	100	951	100	927	100	2/85	100

از مجموع 2185 نفر جمعیت جابه جا شده با هدف آموزش سهم جمعیت خروجی از طبقات به ترتیب اندازه های شهری عبارتند از: 21/1، 17/9، 47/3 و 13/7 درصد است که بیش ترین میزان به شهرهای 100-50 هزار نفری تعلق می یابد. براساس اندازه های طبقات شهری جمعیت ورودی نیز عبارتند از: 2/7، 11/4، 43/5 و 42/4 درصد.

همان طور که ملاحظه می شود تا اندازه جمعیتی 100-50 هزار نفر روند جمعیت ورودی به شهرها با هدف آموزش افزایش یافته و رابطه مستقیمی را دارا می باشند اما در شهرهای با جمعیت بیش از یکصد هزار نفر با کاهش محدودی این رابطه معکوس می گردد. بنابراین مهم ترین مقصد جابه جایی جمعیت با هدف آموزش شهرهای بالاتر از یکصد هزار نفری خواهد بود که این وضعیت را می توان به سطح تحصیلات و مقاطع آموزشی مربوط دانست. چنانچه ملاحظه می شود بیشترین تعداد جمعیت دانشجویان سطوح کارشناسی و پایین تر در شهرهای کوچک تر و براساس فاصله شهر محل سکونت و تحصیل انتخاب رشته می نمایند. اما در مقاطع بالاتر با محدودیت وجود رشته ها و مقاطع تحصیلی که تمرکز گرای بیش تر می باشد ضرورتاً به شهرهای بزرگتر روانه می گردند. مقایسه جمعیت ورودی به شهرها با اندازه و سهم جمعیتی آنها بیان می دارد که اولاً رابطه مستقیمی بین سهم جمعیت و تعداد جمعیت وارد شده با هدف آموزش در میان طبقات شهری تا سطح شهرهای 100-50 هزار نفری وجود دارد. ثانیاً شهرهای کم تر از 25 هزار نفر و بالاتر از 100 هزار نفر کم تر از میزان جمعیتی خود نیروی وارد ه را پذیرا شده اند.

ج - بهداشت و درمان

جدول شماره (3) ماتریس تعامل فضایی طبقات شهری را با هدف امور بهداشتی و درمانی نشان می دهد. براساس ماتریس مذکور در مجموع 198 نفر برابر 2/4 درصد با هدف انجام امور بهداشتی و درمانی در منطقه بوشهر و فارس در بین مراکز شهری جابجا شده اند. از این تعداد سهم جمعیت خروجی از طبقات شهری کمتر از 25 هزار نفر 36/9 درصد برابر 73 نفر، شهرهای 50-25 هزار نفر معادل 31 نفر یا 15/6 درصد، شهرهای 100-50 هزار نفر 78 درصد یا 39/4 درصد و شهرهای بالاتر از یکصد هزار نفر نیز با کم ترین تعداد 8/1 درصد یا 16 هزار نفر از جمعیت خروجی با انجام امور بهداشتی و درمانی را به خود اختصاص داده است. مقصد جمعیت خروجی شهرهای بالاتر از یکصد هزار با این هدف نیز به طور کلی به شهرهای 100-50 هزار نفر می باشد.

جدول شماره (3) ماتریس تعامل فضایی جمعیت شهری منطقه بوشهر و فارس با هدف امور بهداشت و درمان به شهر

طبقات شهری هزار نفر

طبقات شهری	- 25		25- 50		50- 100		+100		جمع	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
- 25			50	2	61/3	38	25/4	33	36/9	73
25- 50	0	0			12/9	8	17/6	23	15/6	31
50- 100	100	2	50	2			57	74	39/4	78
+100	0	0	0	0	25/8	16			8/1	16
جمع	100	2	100	4	100	62	100	130	100	198

براساس ماتریس مذکور عمده ترین هدف جمعیت خروجی از شهرهای 100-50 هزار نفر نیز شهرهای بزرگ است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که فعال ترین طبقات شهری در زمینه بهداشت و درمان طبقات شهری با اندازه های بزرگتر می باشد. نگاهی به سهم جمعیت ورودی شهرهای 25- و 50- هزار نفر نشان می دهد که 6 نفر برابر 3 درصد را به خود اختصاص داده اند. نقشه های شماره 10-4 الی 13-4 روابط فضایی بهداشت و درمان را به تفکیک طبقات شهری نشان می دهند.

د - تفریح

همان گونه که قبلاً گفته شد 30/85 درصد برابر 2549 نفر جمعیت با هدف تفریح از مبادی مختلف شهری خارج شده اند. 54/7 درصد از هدف جمعیت خارج شده از شهرهای کم تر از 25 هزار نفر با هدف تفریح به شهرهای 100-50 هزار نفر است و 37/1 درصد نیز شهرهای بالاتر از 100 هزار نفر می باشد. در شهرهای 50-25 هزار نفر این وضعیت تغییر محسوسی دارد به نحوی که 51/6 درصد به شهرهای بالاتر از صد هزار نفر و 40 درصد به شهرهای 100-50 هزار نفر جابه جا می شوند. بنابراین با بزرگ تر شدن اندازه شهرها جابه جایی به شهرهای بزرگ تر بیشتر می شود.

همین وضعیت در شهرهای 100-50 هزار نفر نیز وجود دارد و 70 درصد خروجی به شهرهای بالاتر از صد هزار نفر بوده است. خروجی شهرهای بالاتر از صد هزار نفر بطور عمده به

طبقه شهری ماقبل خود یعنی شهرهای 100-50 هزار نفری است به طوری که 91/2 درصد به این گروه شهری و تنها 8/8 درصد به سایر گروه های شهری اختصاص دارد.

جدول شماره (4) ماتریس تعامل فضایی جمعیت شهری منطقه بوشهر و فارس با هدف تفریح طبقات شهری هزار نفر

طبقات شهری	- 25		25- 50		50- 100		+100		جمع	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
- 25			26/8	49	38/7	329	17/8	223	23/6	601
25- 50	17	45			24/8	211	21/8	273	20/8	529
50- 100	78/1	207	63/9	117			60/4	755	42/3	1079
+100	4/9	13	9/3	17	36/5	310			13/3	340
جمع	100	265	100	183	100	850	1251	1251	100	2549

همان گونه که از جدول شماره 4-22 استنباط می گردد از مجموع 265 نفر ورودی به شهرهای دارای جمعیت کم تر از 25 هزار نفر 17 درصد به شهرهای 25-50 هزار نفر و 78 درصد به شهرهای 50-100 هزار نفر اختصاص می یابد و سهم شهرهای بالاتر از یک صد هزار نفر حدود 4/9 درصد می باشد، تطبیق سهم ورودی به طبقات شهرهای 25-50 هزار نفر بالاتر از یک صد هزار نفر از شهرهای 50-100 نفر نشان می دهد که این سهم روند کاهشی داشته و به ترتیب از 63/9 به 60/4 می رسد، در نتیجه با افزایش جمعیت شهرها سهم این طبقه شهری کاهش می یابد. بررسی جابه جایی است کاهش در ماتریس شماره 4-22 افزایش سهم طبقه 25- هزار نفری و به میزان کم تری 25-50 هزار نفری است. عمده ترین جمعیت ورودی با هدف تفریح به شهرهای بالاتر از یک صد هزار نفر از شهرهای 50-100 هزار نفر یعنی طبقه ماقبل است و سهم این طبقه شهری به 60/4 درصد می رسد و سهم سایر طبقات نیز ترتیب نزولی و روندی مستقیم با اندازه آنها دارد. به عبارت دیگر با کم شدن جمعیت آنها سهم آنها از جمعیت ورودی به شهرهای بزرگ نیز کم تر می شود، سایر طبقات شهری روندی مشابه با وضعیت کلان منطقه را از خود نشان می دهند که با توجه به متغیرهای موثر در آنها تفاوت هایی مشاهده خواهیم کرد.

آزمون فرضیه

تحلیل نتایج حاصل حاکی از آن است که Y یا جمعیت ورودی به مراکز شهری ارتباط معناداری در سطح اطمینان 95 درصد ندارد. این وضعیت علاوه بر کل جمعیت ورودی به مراکز شهری برای جمعیت ورودی به شهرها برحسب اهداف چهارگانه (اشتغال، آموزش، بهداشت و درمان و تفریح) نیز صادق است. تحلیل استنباط های آماری در مرحله اول (43 متغیر) ارتباط متغیر «تعداد واحدهای صنعتی» را با سیستم شهری (ورودی جمعیت به شهرها) تائید می کند. مرحله دوم (16 مولفه یا شاخص) حاکی از آن است که «نسبت گروه فعال 15-64 سال و تعداد بانک ها و مؤسسات مالی» در مطالعه رگرسیون چند متغیره گام به گام وارد گردیده است. استفاده از روش تحلیل عاملی شیوه تحلیلی است که پژوهشگران را در رسیدن به تفسیری معنی دار از چگونگی ارتباط میان متغیرها یاری می رساند و آنچه به آن توجه می شود، توصیف و تفسیر وابستگی های متقابل (دو به دو) بین مجموعه ای از متغیرها است (کوثری، 1378، 114). در تحقیق جاری تحلیلی عاملی در نهایت توانست عوامل «نسبت جنسی، متوسط رشد سالانه و نرخ باسوادی» را به عنوان عوامل مؤثر بر سیستم شهری تعیین نماید. جدول آماری محاسبات تحلیل عاملی پیوست اطلاعات بیش تری را در اختیار می گذارد. بررسی رگرسیون چند متغیره گام به گام برای تحلیل متغیر مؤثر در روابط فضایی میان مراکز شهری با اهداف اشتغال، آموزش، بهداشت و درمان و تفریح در جدول شماره 4-23 آورده ایم.

جدول شماره (5) عوامل مؤثر در جابه جایی جمعیت م. ان مراکز شهری منطقه بوشهر و فارس به تفکیک اهداف

ردیف	اهداف	متغیر / عامل مؤثر
1	اشتغال	-تراکم نسبی جمعیت شهر
2	آموزش	-نسبت گروه فعال 15-64 سال - شاخص سفر
3	بهداشت و درمان	-تعداد تأسیسات بهداشتی و درمانی - شاخص امکانات رفاهی -بانک ها و مؤسسات مالی
4	تفریح	-بانک ها و مؤسسات مالی

نتیجه گیری

مجموع بررسی های منطقه ای و آزمون های آماری پژوهش جاری درباره روابط سیستمی میان شهرها در منطقه بوشهر و فارس تعیین کننده نتیجه های زیر می باشد:

1- می توان با تکیه بر تحلیل سیستمی سکونتگاه های شهری به تحلیل سازمان یابی فضایی سرزمین در یک محدوده خاص از فضا (ناحیه) پرداخت. با سازمان یابی فضایی سیستم شهری و منطقه ای عدالت در ابعاد مختلف آن جای گزین تمایزات و نابرابری های فضایی می شود.

2- اساسی ترین مزیت طراحی و مدل سازی از طریق ماتریس تعامل فضایی این است که این روش تضمین کننده ارزیابی مناسب عملکرد سراسر سیستم، نه فقط یک نقطه کار (نقطه تعادل) است.

3- واضح است نباید توقع داشت که بتوان از این روش در هر وضعیتی استفاده کرد باید ویژگی ساختاری خاص در عناصر شهری وجود داشته باشد. احتمال دارد متغیرهای تعریف شده (کنترلگر) سیستم در طول زمان به صورت کلی یا جزئی تغییر کند. بنابراین با انتخاب دسته ای از متغیرها سیستم دارای ساختار دیگری خواهد شد. هنگامی که از تغییر متغیر استفاده می شود (اجباری یا اختیاری) قلمرو یا حوزه سیستم نیز تغییر خواهد کرد. در این گونه مواقع همه عناصر شهری مورد نیاز برای تعریف سیستم های شهری و متغیرهای کنترلگر باید بازنگری شوند.

4- با توجه به بررسی های انجام گرفته می توان نتیجه گرفت که به استناد کارکرد مستقل عناصر و عدم وجود رابطه متعامل میان شهرها در میان عناصر شهری منطقه بوشهر و فارس ویژگی کارکرد سیستمی برقرار نمی باشد و نمی توان آن ها را به عنوان «سیستم شهری» معرفی نمود.

5- نتایج بررسی ها نشان می دهد که مجموعه شهری بوشهر مردم تمایل بیش تر به ایجاد ارتباط و کنش متقابل با مراکز شهری فارس به ویژه شیراز و کازرون دارند که در این ارتباط مرزهای سیاسی خود به نوعی نقش محدودکننده اعمال می نماید. چرا که مردم باید امور اداری و سیاسی خود را در یک حوزه و تعاملات اجتماعی، اقتصادی، تفریحی و آموزشی خود را در حوزه های دیگر به انجام برسانند و در اینجا سؤالی مطرح می شود که آیا می توان یک چنین چهارچوب نظری را به شکل تجربی عملی کرد یا بالعکس؟ در نهایت باید گفت که با شکل گیری مجموعه شهری به شکل عام و سیستم شهری و منطقه ای به شکل خاص در منطقه بوشهر و فارس و تکوین منطقه کارکردی، مرزهای سیاسی اعتبار خود را از دست خواهند داد و یک کلیت منسجم جای گزین روابط اجزا و عناصر مستقل می شود.

6- با بررسی چهار ماتریس تعیین شده (اشتغال، آموزش، بهداشت و درمان و تفریح) باید گفت که در سازمان فضایی منطقه سیستم (مجازی) شهری روزانه فی ما بین شهرهای نزدیک و هم سطح که در تعامل روزانه هستند شکل گرفته است. از جمله این شهرها می توان به شهرهای بوشهر-برازجان اشاره نمود. سیستم (مجازی) شهری ناحیه ای یا محلی که در میان کلیه شهرهای منطقه براساس روابط کارکردی در حال انجام است، می باید با تعیین متغیرهای مؤثر تقویت گردد.

7- بالاترین میزان ورودی آموزش به شهرهای بزرگ و کم ترین میزان به شهرهای کوچک اختصاص داشته است. در تفریح بیش ترین ورودی به شهرهای بزرگ اختصاص دارد در حالی که کم ترین میزان به شهرهای متوسط مربوط است. در زمینه اشتغال با افزایش تراکم و تمرکز بیش تر، شهرهای بزرگ به تنهایی بیش از سه چهارم اشتغال به خود اختصاص داده اند، اما موقعیت شهرهای کوچک به مراتب از شهرهای متوسط بهتر است. در امور بهداشتی و درمان افزایش سهم گروه های شهری با اندازه رابطه مستقیم دارد و به موازات جمعیت شهری سهم آن ها افزایش یافته اما تراکم در شهرهای بزرگ به مراتب بیش از سایر شهرها است.

8- بالاترین میزان خروجی امر آموزش به شهرهای بزرگ و کوچک مربوط است و شهرهای بزرگ سهم ناچیزی دارند. در تفریح نیز سهم شهرهای کوچک و بزرگ بیش از سایر شهرهاست. در خروجی امر اشتغال کم ترین میزان به شهرهای خیلی بزرگ تعلق دارد و در سایر گروه های شهری به موازات افزایش جمعیت، خروجی شهرها نیز فزونی دارد. در بهداشت و درمان شهرهای خیلی بزرگ و شهرهای متوسط خروجی کم تری نسبت به سایر گروه ها داشته اند.

9- در جنوب غرب منطقه مورد مطالعه یعنی شهرستان کنگان و منطقه گازی پارس جنوبی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی منبع بسیاری از محرک ها و فرآیندهایی است که جامعه و دولت می باید به آنها پاسخ دهند. بنابراین خلق مناطق و فرآیندها عملی اجتماعی است و غالباً محصول تصمیم سیاست گذاران و کسانی که در پیگیری اهداف خود از فضا استفاده می کنند، می باشند.

11- از آنجایی که شرط لازم و کافی برای وجود ماتریس متقارن وجود روابط بین کلیه عناصر است و به ازای جمع مقادیر در یک معادله صدق نمی کند لذا براساس این شرط می توان پایداری سیستم را تضمین نمود. به استناد ماتریس های تشکیل شده این وضعیت در میان کرویدورهای شهری بوشهر-شیراز، شیراز-جهرم-فسا-کنگان، به چشم می خورد. که به صورت پاندولی عمل می کنند.

پیشنهادها

- 1- با توجه به سازمان فضایی پیشنهادی برای سیستم شهری منطقه بوشهر و فارس شهر شیراز به عنوان بالاترین سطح سازمان فضایی می تواند نقش عنصر رهبری کننده برای کل منطقه و شهرهای بوشهر و کازرون نقش اجزاء رهبری کننده سیستم شهری در حوزه های میانی و غربی منطقه را بر عهده داشته باشند.
- 2- با اجرای مدل ماتریس تعامل فضایی در سیستم شهری و زیر سیستم های شهری می توان با تنظیم روابط بین عناصر سیستم و متغیرهای کنترلی در مبادی و مقاصد مورد نظر به نوسان سازی هماهنگ برسیم. با مدل مذکور روابط را چنان طراحی خواهیم کرد که همه مسیرهای موجود و آتی در نوار یا کریدور شهری به سوی شهرهای هم سطح سازمانی سوق داده و آنها را روی این مدل تنظیم و کنترل نمائیم. می توان این قضیه را با شبیه سازی در یک مدل چنان انتخاب نمائیم که به هدف پاسخ گویی به نیازها، توسعه و رفاه شهروندان در سیستم دست یابیم.
- 3- برای آنکه سیستم های شهری روزانه موجود منطقه در نقطه تعادل باقی بماند باید متغیرهای مستقل مانایی (ثبات) لازم را داشته باشند. برای سیستم شهری ناحیه ای (کل) و زیر سیستم ها شناسایی متغیرهای موثر پیشنهاد گردد.
- 4- نقطه تعادل مطلوب در سیستم شهری را به دلیل تفاوت در فاصله های زمانی و حتی فیزیکی نمی توان بطور دقیق تعیین نمود. پیشنهاد می گردد پس از شناسایی سیستم شهری ناحیه ای و زیر سیستم های شهری محلی برای هر کدام پایداری و نقطه تعادل تعیین گردد.
- 5- با توجه به آنچه گفته شد در جهت دستیابی به توسعه پایدار شهری سازمان دهی فضایی مراکز شهری با هدف شکل گیری سیستم شهری به صورت جدول شماره 2-5، 3-5 و شکل شماره 1-5 توصیه می گردد. نقشه شماره 1-5 سازمان فضایی پیشنهادی شهری را نشان می دهد.
- 6- به منظور استقرار نظام هماهنگ مدیریت منطقه ای تجدید نظر در مفاهیم و تعاریف تقسیمات کشوری به نحوی که این تقسیمات بر اساس مناطق کارکردی منطبق بر سیستم های شهری و روستایی استوار گردند، پیشنهاد می گردد. مرزهای سیاسی استان ها می باید منطبق با مرزهای سیستم شهری تعریف شوند.
- 7- تجدید نظر در تعاریف محدوده ها و حریم شهرها و انطباق حیطه نظارت شهرداری ها بر وظیفه خدمات رسانی شهری در جهت هماهنگی و نظارت بر فعالیت های جمعیتی و جلوگیری از ایجاد عدم تعادل های جمعیتی - فعالیتی در هر شهر اجتناب ناپذیر است.

- 8- اصلاح ساختار تشکیلات شهرداری‌ها برای ایفای نقش و وظایف جدید منطبق با کارکرد سیستمی.
- 9- انجام تحقیقات پیرامون سیستم‌های شهری فرا ناحیه‌ای و ناحیه‌ای در مناطق مختلف کشور به ویژه مناطقی که با مهاجر فرستی از مناطق شهری و روستایی مواجه اند توصیه می‌گردد.
- 10- در منطقه بوشهر و فارس اجرای مطالعات وسیع‌تر برای شناسایی زیر سیستم‌های شهری در مقیاس‌های مختلف به منظور شناسایی زیر سیستم‌های شهری کارکردی در مقیاس‌های مختلف و انجام تحلیل‌های تطبیقی الزامی به نظر می‌رسد.
- 11- براساس جابه‌جایی صورت گرفته در جایگاه‌برخی شهرهای برتر منطقه در مجموعه شهری نظیر شهرهای شیراز، بوشهر، کازرون، جهرم، کنگان و گناوه در برخی کارکردهای اشتغال، آموزش، بهداشت و درمان و تفریح، به منظور ایجاد تعادل و توازن فضایی در سطح منطقه پیشنهاد می‌گردد توزیع کارکردها از جمله اقدامات اساسی در جهت ساماندهی سیستم شهری و تعدیل نابرابری‌ها باشد. از این طریق می‌توان شهرهای راکد و غیر فعال را با واگذاری برخی کارکردهای شهری مجدداً در سیستم شهری فعال نمود که خود اقدامی اساسی در برقراری روابط و نهایتاً تعاملات سیستمی می‌باشد. توجه به توانها، امکانات و ظرفیت هر شهردرواگذاری کارکردهای شهری ضروری به نظر می‌رسد.

Archive of SID

منابع و مآخذ

- جاسبی، ع، (1370)، اصول و مبانی مدیریت، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی
- روشن، م و دیگران، (1375) توسعه منابع انسانی، تهران، مطالعات و برنامه ریزی آموزشی
- سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر، (1378)، بوشهر
- سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر، (1369) فهرست الفبایی نقاط جغرافیایی استان، بوشهر
- سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر، (1377)، مطالعات قابلیت سنجی استان بوشهر، بوشهر
- سازمان برنامه و بودجه استان فارس، (1378)، بخش های مطالعاتی قابلیت سنجی استان فارس، شیراز
- سازمان برنامه و بودجه استان فارس، (1377)، خصوصیات عمده جمعیتی استان فارس، شیراز
- سازمان برنامه و بودجه استان فارس، (1378)، مقدمات تدوین برنامه سوم استان فارس (گزارش نهایی)، شیراز
- سازمان برنامه و بودجه، (1378)، برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، شیراز
- شکویی، ح، (1372)، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، تهران
- مومنی، م، (1377)، پایگاه علم جغرافیا در ایران، تهران، فرهنگ سرای علوم جمهوری اسلامی
- مرکز آمار ایران، (1380)، سالنامه آماری کشور، تهران
- مرکز آمار ایران، (1379)، تازه های آمار، تهران
- مرکز آمار ایران، (1379)، تازه های آمار، تهران
- مرکز آمار ایران، (1377)، خلاصه آمارهای پایه ای استان ها، تهران
- مرکز انفورماتیک و مطالعات توسعه استان فارس، (1372)، جوامع شعری (گزارش نهایی)، شیراز
- میرزایی اهرنجانی، ح، سلطانی تیرانی، ف، (1374)، سازمان ها: سیستم های عقلایی، طبیعی و باز، تهران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
- وزارت کشور، بی تا، دستورالعمل تهیه و تنظیم عملیات نوسازی عمران و توسعه شهر، تهران